

شرق

روزنامه

زائران پیاده در جاده‌های منتهی به مشهد / عکس: محسن بخشنده، ایرنا



نور نوشت

روزنامه‌فرو

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۹ = ۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ = ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۴۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۳
اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

fardashargh@gmail.com

تنگر

زندگی ۲۱ میلیون نفر در مناطق ناکار آمد شهری

سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

نام‌گذاری روزها و هفته‌ها به مناسبت‌های خاص فرصتی برای سپاسگزاری از افراد و بیان دیدگاه‌های مرتبط با آن مناسبت است. از جمله این مناسبت‌ها هفته نیروی انتظامی است که با فاصله برگزار می‌شود. در ابتدا این مناسبت را به همکاران نیروی انتظامی از جمله مددکاران اجتماعی تبریک می‌گویم. محور یادداشت را هم به موضوع امنیت و سلامت اجتماعی اختصاص می‌دهم. امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری به نحوی مؤثر، احساس می‌شود و یکی از اساسی‌ترین انگیزه‌های زندگی جمعی و مدنی انسانی، ضرورت تأمین امنیت بوده، به‌گونه‌ای که از گذشته دور تاکنون، از کارکردهای اصلی اجتماعات بشری و دولت‌ها، تأمین امنیت مردم و صیانت از آنان در مقابل خطرات داخلی و خارجی و همچنین نهادینه‌کردن آن بوده است. با نگاهی جزئی درمی‌یابیم که اساسی‌ترین نیاز هر فرد در طول حیات مادی و معنوی، ایمن‌بودن و نداشتن ترس از بروز خطرات طبیعی و غیرطبیعی است؛ زیرا در غیر این صورت آرامش روحی و روانی وی بر هم خورده و قسمت اعظم نیروی جسمی و فکری وی در جبهتی به کار می‌رود که شرایط اطمینان او را فراهم کند. امنیت یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات و مفاهیمی است که امروزه در جوامع و گروه‌های انسانی مطرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. همه‌روزه در مجله‌ها و رسانه‌ها صاحب‌نظران در این مورد به اظهارنظر می‌پردازند، نکته مورد اتفاق نظر، تعدد و کثرت عوامل تأثیرگذار بر امنیت است. صاحب‌نظران مانند فیلسوفان، سیاست‌مداران، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و... تلاش داشته‌اند امنیت را تشریح و تبیین کنند. برخی از فیلسوفان معتقدند: انسان‌ها زندگی در یک جامعه امن را به زندگی در یک جامعه پرتنش و ناامن ترجیح می‌دهند. برخی صاحب‌نظران مهم‌ترین وظیفه دولت را ایجاد، حفظ و تداوم و توسعه امنیت می‌دانند. برای مثال توماس هابز معتقد است: دولت به‌عنوان دارنده قدرت، باید امنیت را در جوامع ایجاد کرده و مانع از تعرض و نزاع میان افراد در جامعه‌شود. در غیاب این صورت نبرد و جنگ بر سر منافع میان انسان‌ها ایجاد شده و موجب خون‌ریزی‌ها و کشمکش‌های زیادی می‌شود. از جمله مؤلفه‌های مهم در این عرصه از منظر مددکاری اجتماعی «سلامت اجتماعی» است. اگر بپذیریم که جامعه‌ای دارای «سلامت اجتماعی» است که در آن فقر، خشونت، تبعیض جنسیتی و تبعیض قومی، نژادی و منطقه‌ای وجود نداشته باشد و در عوض، رشد جمعیت کنترل شده باشد، آزادی و معاونت اجتماعی به‌طور کلان، تلاش به تحصیلات رایگان و خدمات سلامت و خدمات بیمه‌ای وجود داشته باشد، توزیع درآمد عادلانه باشد و مردم‌سالاری و نظارت مردم بر مردم و مردم بر دولت جریان داشته باشد، می‌توان گفت سلامت اجتماعی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن در تحقق یا عدم تحقق امنیت اجتماعی پایدار نقش بسیار مؤثری دارد. افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی، فقر و... می‌تواند تهدیدی برای امنیت اجتماعی باشد و پایین‌بودن آنها برعکس می‌تواند فرصتی برای تحقق امنیت اجتماعی پایدار در هر جامعه‌ای باشد. تاملی کوتاه بر تعداد پرونده‌های قضائی، آمار افراد فقیر و بالابودن خط فقر، طبق آمار وزارت راه‌وشهرسازی زندگی حدود ۲۱ میلیون در محلات ناکارآمد شهری (که اکثر این محلات از حداقل‌های خدمات عمومی هم محروم هستند)، آمارهای خشونت‌های اجتماعی و خانگی، اقدام به خودکشی، آمار نگران‌کننده سرقت‌ها از جمله سرقت‌های خرد (که عمدتاً ناشی از تنگدستی در معیشت مردم است) و... خود گویای این نکته اساسی است که تمرکز و توجه به ارتقای شاخص‌های سلامت اجتماعی می‌تواند عاملی برای بهبود این شرایط در هر جامعه‌ای از جمله ایران عزیز ما باشد. به همین دلیل انتظار دارم که رویکردهای اجتماعی به‌معنای واقعی اجتماعی در این نیرو تقویت شود. اگرچه از دو دهه قبل با تأسیس واحدهای مددکاری اجتماعی در این نیرو و معاونت اجتماعی به‌طور کلان، تلاش شده است بررسی و مطالعات اجتماعی را بنمای برنامه‌ریزی‌ها قرار دهند ولی معتقدم تا نهادینه‌شدن این رویکرد در تمام اجزای نیروی انتظامی به تلاش‌های بیشتری نیاز بوده و بازنگری قانون با هدف افزایش اختیارات برای توسعه و تقویت رویکردها و برنامه‌های اجتماعی به‌ویژه مددکاری اجتماعی تلاش بیشتری را می‌طلبد.

برنده آبی

دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در تویتیر

- حذف** و محدودکردن یک لینک گزارش درباره پسر جو بایدن، اعتراض بسیاری از طرفداران ترامپ و جمهوری‌خواهان را به دنبال داشت. البته فقط حذف و هشدار نبوده است، برخی رسانه‌ها به نقل از سخنگوی تویتیر از تعلیق و مسدودشدن حساب کاربری کمپین انتخاباتی ترامپ، حساب کاربری سخنگوی کاخ سفید و روزنامه نیویورک‌پست خبر دادند. این اتفاق با اعتراضات گسترده مقامات از جمله ترامپ و... روبه‌رو شد. فیس‌بوک نیز با برچسب هشدار با این ویدئو رفتار کرد. روندی که در این دو شبکه اجتماعی انجام گرفته، فارغ از مسائل سیاسی، بحث آزادی بیان را مطرح کرده است. تویتیر شبکه‌ای است که ترامپ از آن به‌عنوان امکانی برای گفت‌وگوی مستقیم با مردم و بستری برای بیان نظرات خود استفاده کرده است. رئیس‌جمهور آمریکا که بارها از جمله در آخرین دیدار تبلیغاتی خود نیز بیان کرده است رسانه‌ها دشمن مردم هستند، تویتیر را امکان بی‌واسطه می‌دانسته است. بسیاری از اخراج‌ها و قرار ملاقات‌ها از طریق تویتیر رخ داده است. در ابتدا تویتیر در واکنش به اعتراضات اعلام کرد که این مطالب قوانین این شبکه اجتماعی را که مانع از اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی می‌شود، نقض می‌کرده است و کمی بعد جک دورسی، مدیرعامل تویتیر، اعلام کرد این اتفاق (حذف لینک گزارش‌ی علیه هانتز بایدن) به‌خوبی مدیریت نشده است. نمایندگان جمهوری‌خواهان اعلام کردند در هفته پیش‌رو او را به سنا برای پاسخ‌گویی فرامی‌خوانند. این مسئله سبب شد که رسانه‌ها درباره آزادی بیان در این شبکه‌های اجتماعی سوآلات زیادی را بیان کنند اما در pewresearch تحلیلی درباره نحوه استفاده دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان از تویتیر منتشر شده است. جالب اینجاست که ۱۰ درصد استفاده‌کنندگان تویتیر آمریکایی هستند. طبق تحلیل‌های پیشین تویتیر، استفاده‌کنندگان دموکرات از این پلتفرم بیشتر از جمهوری‌خواهان هستند؛ تقریباً ۲۵ درصد آمریکایی‌های استفاده‌کننده از تویتیر جمهوری‌خواه و ۶۹ درصد دموکرات‌اند. درعین‌حال این تحقیق مشخص کرده است که اقلیت کوچکی از کاربران، اکثریت زیادی از تویتیه‌ها را تولید می‌کنند. درعین‌حال ۱۰ درصد فعال‌ترین دموکرات‌ها معمولاً تقریباً دوبرابر بیشتر از ۱۰ درصد فعال‌ترین جمهوری‌خواهان در یک ماه تویتیت می‌کنند. تویتیرتی‌های این دو حزب بیشتر جوانان هستند و سواد بالایی دارند اما هنوز به سطوح بالایی در حزب دست نیافته‌اند. این اختلاف سنی به‌ویژه در میان دموکرات‌ها مشهود است. حدود ۳۷ درصد از دموکرات‌های بزرگسال در تویتیر بین ۱۸ تا ۲۹ سال دارند، درحالی‌که تنها ۱۶ درصد کل دموکرات‌ها در این سن هستند و تقریباً از هر پنج کاربر جمهوری‌خواه تویتیر (۲۲ درصد) ۱۸ تا ۲۹ ساله هستند و فقط ۱۲ درصد کل جمهوری‌خواه‌ها در این سن به سر می‌رسند و فقط ۱۲ درصد دموکرات‌ها و ۱۲ درصد جمهوری‌خواه‌های تویتیر بالای ۶۵ سال دارند. کاربران حزب دموکرات به‌طور متوسط فقط یک تویتیت در هر ماه ارسال می‌کنند اما در بین جمهوری‌خواهان حتی همین یک تویتیت را هم ندارند. دموکرات‌ها در تویتیر حداقل ۳۲ دنبال‌کننده دارند اما هر جمهوری‌خواه به‌طور متوسط تنها از سوی ۲۱ کاربر دنبال می‌شود. اما دو حساب کاربری به‌عنوان شاخص در بین کاربران حزبی تویتیر معروف هستند. حساب کاربری اوباما، رئیس‌جمهور پیشین و حساب کاربری ترامپ. درحالی‌که ۳۱ درصد کاربران آمریکایی بزرگسال تویتیر اوباما را دنبال می‌کنند، تنها ۲۰ درصد افراد آمریکایی از دنبال‌کنندگان ترامپ هستند. اما تمایز حزبی بین کاربران دنبال‌کننده این دو حساب کاملاً مشهود است، حدود ۴۲ درصد از دموکرات‌ها یا طرفداران دموکرات جزء دنبال‌کنندگان حساب اوباما هستند، درحالی‌که فقط ۱۲ درصد جمهوری‌خواه‌ها را دنبال می‌کنند. دراین‌بین فقط ۱۳ درصد از دموکرات‌های تویتیر، جزء دنبال‌کنندگان حساب کاربری ترامپ هستند، درحالی‌که ۳۵ درصد جمهوری‌خواهان تویتیرتری ترامپ را دنبال می‌کنند. حساب‌های کاربری بایدن و هریس نیز تقریباً با همین نسبت‌ها توسط دموکرات‌ها دنبال می‌شود. البته جمهوری‌خواهان حاضر در تویتیر حساب سنااتور تد کروز و فاکس نیوز را هم دنبال می‌کنند. در کل، ۱۹ درصد دموکرات‌ها در تویتیر حداقل یک حساب متعلق به یکی از اعضای فعال انتخابات ریاست‌جمهوری حزب خود را دنبال می‌کنند، درحالی‌که ۳۸ درصد جمهوری‌خواهان یکی از حساب‌ها را دنبال می‌کنند. در این تحقیق ۱۰ماهه، مشخص شد بیشترین منش‌ها به ترامپ، پوتوب، جو بایدن، سنی‌ان‌ان، تغییر، پلوسی و... بوده است اما بیشترین تعداد هشتگ‌های استفاده‌شده در این مدت کووید۱۹، جان سیاهان اهمیت دارد، ویروس کرونا و... بوده و نکته مهم این است که حداقل چهار درصد دموکرات‌های حاضر در تویتیر تا قبل از نیمه سپتامبر حتماً ۱۱ بار این هشتگ را به کار برده‌اند، درحالی‌که کمتر از یک درصد جمهوری‌خواهان از این هشتگ استفاده کرده‌اند.

مغز اجتماعی-۱۳۶

عواقب پزشکی کالامحور

عبدالرحمن نجل رحیم مغزپژوه

پژوهشی جدید (می ۲۰۲۰) در ۱۴۷ کشور درگیر همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی خدمات بهداشتی-درمانی با وجود منافع زودگذر، موجب تضعیف نظام سلامت، تشدید نابرابری‌ها و بالاتررفتن معنادار مرگ‌ومیر در این کشورها شده است. وینسنت ناوارو، استاد دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا، در مقاله جدید خود در مجله بین‌المللی سلامت (۲۰۲۰)، به نقد تنولیرالیسم در مقابله با همه‌گیری جاری (کرونا) در آمریکا و کشورهای اروپایی می‌پردازد و نشان می‌دهد که سیاست ریاضتی قطع بودجه‌های اجتماعی، شامل مراقبت‌های پزشکی و خدمات بهداشتی و در ضمن خصوصی‌سازی این خدمات از طرف حکومت‌های سرمایه‌داری فوق، چگونه به‌شدت ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای ناشی از همه‌گیری کرونا را کاهش داده است. تنولیرالیسم، در بین سال‌های ۱۹۷۰- ۱۹۸۰ در زمان رنآمداری تاجر در انگلیس و ریسکان در آمریکا آغاز شده است؛ اصلاحاتی در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری که قرار بود بازار را از کنترل دولت آزاد کند و خصوصی‌سازی را در همه عرصه‌های اجتماعی افزایش دهد و از قدرت دولت بکاهد. این اقدامات شامل بهداشت و درمان نیز شد. در سال ۱۹۷۱، روبرت ساد، جراح قلب در مجله نیو اینگلند نوشت: در این فصل جدید از سرمایه‌داری دیگر سلامت یک حق نیست؛ بلکه کالایی خدماتی است که بین فروشنده یا عرضه‌کننده (پزشک) و خریدار (مشتتری) یعنی مریض، دادوستد می‌شود و دراین‌میان نیز به منفعت معامله‌گران، یعنی خریدار و فروشنده است که به طور آزاد به این کار بپردازند. البته بازار رقابت کیفیت محصول را بالاتر خواهد برد. البته در کشور ما نیز هم‌اکنون به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم مدعی باشیم‌که چنین افغشاشی در مرز بین حرفه پزشکی و معامله کالایی وجود ندارد. به‌ویژه اینکه در بسیاری از زمینه‌های علم کار ما تقلید چشم‌وگوش‌بسته‌ای از به‌اصطلاح توسعه از طریق خصوصی‌سازی است. با وجودی که مطمئن هستم پزشکان ما کتاب‌های پزشکی آمریکایی را به‌عنوان علمی خالص با جان و دل می‌خوانند و اغلب مطالب آنها را مانند کتاب مقدس حفظ می‌کنند؛ ولی کمتر به جنبه‌های انتقادی- اجتماعی حرفه تخصصی خود توجه دارند. به‌عنوان مثال گمان نمی‌کنم تعداد زیادی از پزشکان ما باشند که کتاب معروف وینسنت ناوارو استاد دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا، «پزشکی تحت سرمایه‌داری» (۱۹۷۶) را خوانده باشند که در تحلیلی مارکسیستی به نقد پزشکی در جهان و بهداشتی می‌پردازد. دلیل مدعای من این است که اغلب ما پزشکی را علمی منز از مسائل اجتماعی- اقتصادی - سیاسی می‌دانیم؛ بنابراین تحیل مارکسیستی‌علم پزشکی، اگر جزء کناشهر نبودن نباشد، حداقل امری ناصواب و بلاموضوع است. اگر امروز من به‌عنوان یک پزشک، این ناپرهیزی را مرتکب می‌شوم، ناشی از آموزه‌های مغزپژوهی اجتماعی است و اینکه هر عمل انسان خواه‌ناخواه اجتماعی و سیاسی است. به همین علت برای من مهم است که تحلیل مارکسیستی در نقد سرمایه‌داری را هم از زبان متخصصان آمریکایی درگیر بشوم. کارل لایوت، استاد دانشگاه مینه‌سوتا آمریکا در مقاله دیگری به نام پزشکی به‌مثابه کالا (۲۰۱۶)، به جمله معروف مارکس اشاره می‌کند و در جریان کالایی‌شدن پزشکی به‌همین آمدن منافع و سود و رقابت کاپیتالیستی، پزشکان آمریکایی را نیز مانند کارگرانی می‌داند که از

روزگار

توفان کرونا در یمن

یمن این روزها به دلیل جنگی که سال‌ها در آن جریان دارد، با مشکلات زیادی از نظر اقتصادی و بهداشتی روبه‌روست؛ اما توصیفی که یکی از پزشکان آلمانی سازمان پزشکان بدون مرز به‌دوچپوله گفته است، تأثیربرانگیز است: «کرونا مانند توفانی مهلک یمن را درنوریده است. یمن اصلاً آماده ویروس کرونا نبود و اکثر مبتلایان در خانه‌های‌شان خفه می‌شوند». این پزشک تأکید کرده است: «با توجه به کمبود ظرفیت‌ها شناس زنده‌ماندن بیماران کرونایی در یمن از همه جای دنیا بدتر است». سازمان ملل در یکی از آخرین گزارش‌هایی که منتشر کرده، با اشاره به وضعیت اقتصادی یمن درصدد بوده تا کشورها همچنان به کمک‌های بشردوستانه خود به این کشور ادامه دهند. در این گزارش آمده است که اقتصاد یمن نیاز به تزریق مستقیم کمک مالی خارجی، برای واردات تجاری، پرداخت حقوق و کمک به تثبیت پول کشورش دارد؛ اما در این شرایط گسترش ویروس کرونا

